

این فایل از کانال معلم یار پنجم دانلود شده است .
برای حمایت از ما و دریافت نمونه سوالات با پاسخنامه بیشتر
در تلگرام آی دی زیر را جست و جو کنید

معلم یار پنجم

◀ نمونه سوال با پاسخنامه

◀ درسنامه

◀ فیلم های آموزشی

◀ فیلم حل تمارین کتاب درسی

◀ گام به گام

◀ جزوه

برای دریافت مطالب کافی عضو کانال معلم یار پنجم

به آدرس: ▼▼

▶ @MoallemYariR5

بشید

درسنامه درس تماشاخانه

** یادآوری

فعل : کلمه ای که انجام گرفتن یا روی دادنِ حالتی در زمان حال ، گذشته یا آینده را نشان می دهد ، به عبارتی مفهوم جمله با فعل کامل می شود و با نبودِ فعل جمله ناقص می گردد مانند شد ، است ، بود و ... همگی فعل هستند .

در جمله ی زهرا و فاطمه سال آینده به مشهد خواهند رفت ، فعل خواهند رفت اگر از جمله حذف شود ، جمله ناقص و نامفهوم خواهد شد .

فاعل (نهاد) : فاعل یعنی کننده کار و واژه ای است که انجام کاری را در جمله به آن نسبت می دهیم .
مثال : سارا به مدرسه رفت فعل رفت را سارا انجام داده است ، پس سارا کننده کار است .

** بیش تر بدانیم

انواع نهاد :

(الف) نهاد آشکار (جدا) :

مثال : مریم به مدرسه رفت مریم نهاد جدا (آشکار) است .

(ب) نهاد پنهان :

مثال : به مدرسه رفت او نهاد پنهان است .

(ج) نهاد پیوسته : همان شناسه هایی هستند که به فعل می چسبند .

مثال : به مدرسه رفتم ← م نهاد پیوسته است .

(د) نهاد فاعلی : وقتی نهاد در جمله کاری انجام دهد فاعلی است .

مثال : مریم به مدرسه رفت کار رفعت به مریم نسبت داده شده است و مریم نهاد فاعلی است .

(ه) نهاد غیر فاعلی : وقتی نهاد در جمله حالتی را می پذیرد ، غیر فاعلی است .

مثال : مریم خندان است .

! **نکته اول :** به نهاد غیر فاعلی مسندالیه می گویند .

! **نکته دوم :** فعل های است / بود / شد / گشت / گردید / می شود / باشد و خانواده های این فعل ها ،

شخص فعل ها به اضافه منفی آنها نیستم / نشد / نگردید و ... فعل های ربطی هستند .

! **نکته سوم :** فعل های گشت و گردید اگر به معنی گردش کردن و گشتن باشند فعل ربطی نیستند .

! **نکته چهارم :** اگر فعل بود به معنی وجود داشتن باشد ، دیگر فعل ربطی نخواهد بود و باید در معنای

خود بودن باشد .

مثال : مادر در خانه بود ← مادر نهاد است ، بود به معنی وجود دارد و فعل غیر ربطی است و جمله مسند ندارد

مادر خندان بود ← مادر مسندالیه است ، خندان مسند است ، بود فعل ربطی است .

! **نکته پنجم :** معمولا به کلمه قبل از فعل که در جملات با فعل ربطی و با پرسش (چطور ، چگونه + فعل)

به پاسخ می رسیم مسند می گویند .

مثال : هوا سرد است ← هوا چگونه است؟ سرد است . هوا نهاد غیر فاعلی (مسندالیه) است . سرد مسند

است ، است فعل ربطی است .

صفت :

کلمه یا گروهی از کلمات که در سال قبل یاد گرفتیم ، معمولا بعد از — و اسم قرار می گیرند و اسم را با

ویژگی یا مفهومی همراه می کند .

مثال : زهرا گل زیبایی را به مادرش هدیه داد ← گل به صورت اسم + — است ، زیبایی صفت است

طریقه ی ساخت ترکیب وصفی (اسم + صفت)

مثال : گل زیبا ، دختر دانا .

طریقه ی ساخت ترکیب اضافی (اسم + اسم)

مثال : گل من ، کتاب زهرا .

*** راه های تشخیص اسم از صفت :

(۱) به صفت (تر ، ترین) اضافه می کنیم ، اگر معنی داد ترکیب وصفی است و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال : گل زیبا تر ، زیباترین گل .

(۲) بین اسم و صفت (—) را برداشته ، به ابتدای ترکیب (این) و پایان آن (است) اضافه می کنیم ، اگر معنی درست را داد ، ترکیب وصفی است .

مثال : گل زیبا — این گل زیبا است .

(۳) بین موصوف و صفت (ی) اضافه می کنیم .

مثال : گل زیبا — گلی زیبا

(۴) بین موصوف و صفت واژه ی (بسیار یا خیلی) بیاوریم ، اما در ترکیب اضافه نمی شود .

مثال : گل زیبا — گل بسیار زیبا

انواع صفت

(۱) صفت بیانی (صفت بیانی پسین) :

الف (صفت بیانی ساده	ب (صفت بیانی لیاقت	ج (صفت بیانی فاعلی
د (صفت بیانی مفعولی	ه (صفت بیانی تفضیلی تر	و (صفت بیانی عالی ترین
۲) صفت های پیشین :		
الف (صفت تعجبی	ب (صفت شمارشی	ج (صفت پرسشی
د (صفت مبهم	ه (صفت اشاره	

*** توضیح صفت ها

صفت بیانی : صفتی است که به چگونگی و خصوصیات اسم مانند رنگ ، جنس ، شکل ، حجم ، مقدار ، ارزش و ... می پردازد .

الف (صفت بیانی ساده : صفتی است که خصوصیت موصوف را بیان می کند .

مثال : دخترِ زرنِگ — خصوصیت زرنِگی را بیان می کند .

ب (صفت بیانی لیاقت : قابلیت موصوف را بیان می کند و از مصدر + ی ساخته می شود .

مثال : گفتن + ی — گفتنی

ج (صفت بیانی فاعلی : صفتی که موصوف خود را به شکل انجام دهنده ی کار توصیف می کند . صفت فاعلی با رابطه زیر ساخته می شود :

* بن مضارع + ا — گوی + ا — گویا .

* بن مضارع + نده ← گوی + نده ← گوینده .

* بن مضارع + ار ← پرست + ار ← پرستار .

* بن مضارع + ان ← خند + ان ← خندان .

* بن مضارع + گار ← ساز + گار ← سازگار .

* بن مضارع + گر ← توان + گر ← توانگر .

* بن مضارع + کار ← جوش + کار ← جوشکار .

* بن ماضی + گر ← ریخت + گر ← ریختگر .

* بن ماضی + گار ← آفرید + گار ← آفریدگار .

صفت بیانی نسبی : این صفت کسی یا چیزی را به کسی یا چیزی نسبت می دهد . برای ساخت این صفت از رابطه های زیر استفاده می شود :

* اسم + ی ← شیراز + ی ← شیرازی .

* اسم + ین ← آتش + ین ← آتشین .

* اسم + انه ← دختر + انه ← دخترانه .

* اسم + گانه ← بچه + گانه ← بچه گانه .

* اسم + گان ← مهر + گان ← مهرگان .

(۵) صفت بیانی مفعولی : به صفتی می گویند که کار بر روی آن واقع شده است . برای ساخت صفت مفعولی از رابطه ی زیر استفاده می کنیم :

* بن ماضی + ار ← دید + ار ← دیدار .

* بن ماضی + ه ← گفت + ه ← گفته .

(۶) صفت بیانی تفضیلی (برتر) : به وسیله ی این صفت ، موصوف را در صفتی مشترک با یک یا چند موصوف دیگر می سنجند . برای ساخت صفت بیانی تفضیلی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

صفت بیانی ساده + تر ← خوبتر ، زیباتر و ...

(۷) صفت عالی (برترین) : صفتی است که موصوفی را در صفتی مشترک با همه ی موصوف های هم جنس می سنجند .

برای ساخت صفت عالی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

صفت بیانی ساده + ترین ← زیباترین ، مهربان ترین ، بیشترین و ...

*** صفت های پیشین

الف) صفت تعجبی : اگر واژه ی چه ، عجب با اسم همراه شوند و تعجب گوینده از چگونگی یا مقدار موصوف را بیان کند ، صفت تعجبی می گویند .

چه یا عجب + اسم ← (چه سری ، چه دمی !)

ب (صفت شمارشی :

اعداد یک تا بی نهایت + اسم

مثال : یک نصیحت بشنو از من — یک صفت شمارشی است .

دو خودکار خریدم — دو صفت شمارشی است .

! نکته : بعضی مواقع صفت شمارشی ترتیب موصوف را بیان می کند .

برای ساخت صفت شمارشی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

عدد اصلی + م یا مین

مثال : چهارم ، چهارمین

ج (صفت پرسشی : صفتی که در مورد مقدار یا نوع موصوف پرسش می کند .

برای ساخت صفت پرسشی از رابطه زیر استفاده می کنیم :

کدام ، چند ، چگونه ، چه + اسم

مثال : چه کتابی خریدی ؟ — چه صفت پرسشی است .

د (صفت مبهم : کلماتی که نوعی ابهام در مفهوم خود دارد .

برای ساخت صفت مبهم از رابطه زیر استفاده می کنیم :

بهمان ، فلان ، دگر ، هیچ ، برخی ، چندین ، هر + اسم همدانش آموز زرنگ .

ه (صفت اشاره : برای اشاره به کار می رود .

برای ساخت صفت اشاره از رابطه زیر استفاده می کنیم :

این ، آن ، همین ، همان + اسم

مثال : همین کتاب خوب بود — همین صفت مبهم است .

درسنامه درس تماشاخانه

برای دانستن مخالف یا متضاد یک کلمه ، ابتدا باید معنی آن کلمه را بدانیم ، متضاد یعنی ضد هم پس وقتی

معنی دو کلمه را بدانیم آن وقت به مخالف یا متضاد آن پی می بریم .

مثال : طلوع ≠ غروب

! نکته : همه ی واژه ها در زبان فارسی مخالف ندارند مانند دفتر ، کتاب ، میز و ... اما گاهی یک کلمه با

توجه به معنی جمله چند مخالف دارد .

مثال : پریا حرفِ راست می گوید — راست ≠ دروغ

پریا از سمت راست می رود — راست ≠ چپ

در شعر هم گاهی اوقات شاعران از کلمه های مخالف در بیت ها استفاده می کنند ، به این **آرایه تضاد** (طباق) هم گویند .

مثال : برو کارگر باش و امیدوار که از یأس ، جز مرگ ناید به کار

! نکته نگارشی

تصویر نویسی : هدف از تصویر نویسی همان طور که در پایه ی چهارم هم اشاره شد دقت و توجه لازم به جزئیات تصاویر (رنگ ، شکل ، اندازه ، جهت ، نور و ...) است تا بتوانیم از دلِ تصاویر ، موضوع را مشخص و سپس از بین موضوع های مشخص شده ، یک موضوع را انتخاب کنیم . گاهی لازم است در ارتباط با تصاویر یا موضوع شنیداری ، صداهایی را در ذهن مجسم کنیم و درباره ی آن چند بند بنویسیم ، فراموش نشود جزئیاتی که در تصویر دیده ای یا شنیده ای در نوشته ی خود بیاوری . رعایت علائم نگارشی ؛ اصول و ساختار بند نویسی حتما رعایت شود .